

## نقش الگوهای ارتباطی خانواده در خودپنداره دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر شیراز

### The Effect of Family Communication Patterns on Shiraz Secondary School Students' Self-Concept

M. Bahrami, M.A.

F. Khoshbakht, Ph.D.

محمود بهرامی

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه خوارزمی تهران

دکتر فریبا خوشبخت ✉

عضو هیات علمی بخش مبانی تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز

دریافت مقاله: ۹۱/۹/۱۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۵/۱۸

پذیرش مقاله: ۹۴/۶/۱

#### Abstract

The present research was performed to evaluate the relationship between family communication patterns (conversation and conformity) with the self-concept (academic, social, physical & valuable). The research sample included 192 secondary school students of Shiraz city (95 girls & 97 boys) who were selected with cluster random sampling method. The data collected by the revised questionnaire of family Communication Patterns (Koerner &

#### چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی ارتباط بین الگوهای ارتباطی خانواده (گفت‌و‌شنود و هم‌نوایی) با خودپنداره (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی) انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش، شامل ۱۹۲ دانش‌آموز مقطع راهنمایی شهر شیراز (۹۵ دختر و ۹۷ پسر) بود، که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده کوئرر و فیتزپاتریک و مقیاس خود پنداره منداگلیو و پی‌ریت استفاده شد.

✉ Corresponding author: Dept. of Foundations of Educationa, Shiraz University, Shiraz, Iran.  
Email: [Khoshbakht@shirazu.ac.ir](mailto:Khoshbakht@shirazu.ac.ir)

✉ نویسنده مسئول: شیراز، دانشگاه شیراز، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، بخش مبانی تعلیم و تربیت  
پست الکترونیکی: [Khoshbakht@shirazu.ac.ir](mailto:Khoshbakht@shirazu.ac.ir)

Fitzpatrick) and self-concept scale (Mandaglio & Pyryt). The results showed that the family communication of the conversation pattern predicts a positive and meaningful concept for all aspects of self-concept pattern, whereas conformity pattern cannot predict self-concept pattern, significantly. Also, the highest correlation between variables of family and self-concept relationship, belongs to the relationship between valuable self-concept and conversation in the girls group, and the relationship between physical self-concept and conversation in boys. So, it can be said that family-oriented conversation increases self-concept and adjustment of children.

**Keywords:** Family Communication Patterns, Self-Concept, Conversation, Conformity.

نتایج نشان داد ارتباط خانوادگی از نوع گفت‌وشنود، به صورت مثبت و معناداری، به پیش‌بینی همه ابعاد خودپنداره می‌پردازد؛ در حالی که قدرت پیش‌بینی ارتباط خانوادگی از نوع همنوایی معنادار نبود. همچنین، بیش‌ترین همبستگی بین متغیرهای ارتباط خانوادگی و خودپنداره، در گروه دخترها، متعلق به رابطه بین خودپنداره ارزشی و ارتباط گفت‌وشنود بوده و در گروه پسرها مربوط به رابطه بین خودپنداره ورزشی و ارتباط گفت‌وشنود است. بنابراین می‌توان گفت، خانواده‌های با جهت‌گیری گفت‌وشنود، باعث افزایش سازگاری و خودپنداره در فرزندان می‌شوند.

**کلیدواژه‌ها:** الگوهای ارتباطی خانواده، خودپنداره، گفت‌وشنود، همنوایی.

## مقدمه

در زندگی انسان، هیچ نهادی به اندازه خانواده، در پرورش و تکوین شخصیت و هویت آدمی مؤثر نیست. این نهاد، نقش مهمی را در سلامت، رشد و پیشرفت اعضای خانواده ایفا می‌کند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰). در دیدگاه سیستمی خانواده، بر این موضوع اشاره می‌شود، که ما می‌توانیم افراد را از طریق تعاملاتی که بین اعضاء صورت می‌گیرد، بهتر بشناسیم و رفتار عضوی از خانواده را، با توجه به الگوهای ارتباطی دیگر اعضاء پیش‌بینی کنیم؛ به این صورت که الگوی رفتاری یک عضو خانواده با دیگر افراد آن، به‌طور جدایی‌ناپذیری ارتباط متقابل دارد (کوری؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۰). خانواده، می‌تواند محیطی را برای اعضای خود ایجاد کند، که در آن بتوانند پرورش یافته و به شکل‌دهی الگوهای رفتاری خاص و نگرش‌های مختلف بپردازند (خوشبخت، ۱۳۹۰)؛ همچنین، می‌تواند موقعیتی را برای آگاه شدن افرادی که در ارتباط متقابل با یکدیگر عمل می‌کنند، فراهم

آورد (گلدنبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴؛ به نقل از جرال دکوری، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۰). مطالعات نشان می‌دهد، که مشکلات ارتباطی خانواده‌ها، منشأ اصلی مسائل بین فردی است؛ به طوری که اغلب مشکلات والدین با فرزندان، ناشی از سوء تفاهم و ارتباطات نامناسب است (باربارا، اف. اوگان؛ ترجمه محمدخانی، ۱۳۹۰) و آموزش مهارت‌های سازگاری، به والدین می‌تواند در جلوگیری از بروز مشکلات در کودکان مؤثر باشد (نعمت‌اللهی و طهماسبی، ۱۳۹۳).

بنابراین، توجه بیشتر به فرآیند و الگوی ارتباط بین اعضای خانواده، به ویژه اعمالی که به ایجاد رابطه بهتر کمک می‌کند، یا مانع آن می‌شود، به منظور تأثیر آن بر خصوصیات افراد، لازم و ضروری می‌نماید. هارجیه<sup>۲</sup> و دیکسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۴، به نقل از کشتکاران) معتقدند، در ارتباط بین فردی، افراد به مبادله افکار، عقاید و احساسات خود با دیگران می‌پردازند. الگوهای ارتباطی خانواده، از بررسی تعاملات میان اعضای خانواده و بررسی باورها، عقاید و احساسات افراد و شیوه ابراز این باورها و احساسات شکل می‌گیرد (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲).

از جمله نظریه پردازان الگوهای ارتباطی خانواده، می‌توان به مطالعه مک‌لئود<sup>۴</sup> و چفی<sup>۵</sup> (۱۹۷۲، به نقل از فیتزپاتریک، ۲۰۰۴) اشاره کرد. این محققان نشان دادند، الگوی ارتباطی خانواده، در دو نوع جهت‌گیری گفت‌و شنود و هم‌نوایی، قابل ارزیابی است (فیتزپاتریک و کوئرنر، ۲۰۰۲). جهت‌گیری گفت‌و شنود<sup>۶</sup>، اشاره به شرایطی دارد که در آن، همه افراد خانواده به شرکت آزادانه در بحث و گفت‌وگوهای خانوادگی تشویق می‌شوند و فضایی آزاد برای تبادل افکار و احساسات اعضا درباره موضوعات مختلف ایجاد می‌شود (فیتزپاتریک و کوئرنر، ۲۰۰۲).

خانواده‌های با گفت‌و شنود بالا، محیطی را برای اعضای خود فراهم می‌کنند که در آن، افراد می‌توانند بدون هیچ‌گونه محدودیتی، به بیان افکار، نظرات و احساسات خود در یک فضای کاملاً آزاد بپردازند (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲)؛ هم‌چنین شرکت و همکاری اعضا به منظور تصمیم‌گیری بر سر موضوعات مختلف، از درجه بالایی برخوردار است. جهت‌گیری هم‌نوایی<sup>۷</sup> بیانگر شرایطی است، که اعضا در تعاملات خود بر همسانی عقاید، نگرش‌ها و ارزش‌ها تأکید دارند و روابط میان آن‌ها، بر محوریت پیروی از بزرگسالان و والدین استوار است.

در خانواده‌های با هم‌نوایی بالا، اعضا در جهت هم‌سان‌سازی عقاید، نگرش‌ها و ارزش‌ها با دیگر افراد خانواده تشویق می‌شوند و والدین تصمیم‌گیرنده‌های اصلی هستند. در این خانواده‌ها، از تعارضات و کشمکش‌ها اجتناب و بر هم‌نوا بودن اعضا با یکدیگر تأکید می‌شود (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۴) الگوهای ارتباطی خانواده را، برحسب دو بعد جهت‌گیری گفت‌و شنود و هم‌نوایی، به چهار دسته: خانواده توافقی‌کننده<sup>۸</sup>، کثرت‌گرا<sup>۹</sup>، محافظت‌کننده<sup>۱۰</sup> و بی‌قید<sup>۱۱</sup> دسته‌بندی کرده‌اند.

در خانواده توافقی کننده، میزان بالایی از بعد گفت‌وگوشنود و نیز بعد همنوایی باهم وجود دارد، در این خانواده‌ها، همه اعضا می‌توانند درباره موضوعات مختلف بحث و گفت‌وگو نموده و آزادانه عقاید و نظرات خود را مطرح نمایند؛ والدین به نظرات آن‌ها احترام می‌گذارند، ولی این والدین هستند که تصمیم‌گیرنده نهایی می‌باشند. در خانواده کثرت‌گرا، که در آن‌ها گفت‌وگوشنود بالا و همنوایی پایینی وجود دارد، فضای آزاد برای ابراز عقاید، نظرات و احساسات فرزندان مهیاست و والدین علاوه بر پذیرش و احترام به نظرات فرزندان، آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌دهند و از نظرات و پیشنهادات فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌کنند. وقتی در خانواده‌ای بعد گفت‌وگوشنود کم و همنوایی بالا باشد، آن خانواده، محافظت‌کننده است. در این خانواده‌ها، روابط و تعاملات باز و راحت برای بحث و گفت‌وگو و تبادل عقاید، افکار و احساسات وجود ندارد؛ این والدین هستند که تصمیم‌گیرنده‌های اصلی و نهایی می‌باشند و به نظر و عقاید فرزندان اهمیت چندانی داده نمی‌شود. در خانواده‌های با الگوی ارتباطی بی‌قید، هر دو بعد گفت‌وگوشنود و همنوایی پایین است. ارتباطات و تعاملات میان اعضا کم است و درباره موضوعات محدودی به بحث و گفت‌وگو می‌نشینند؛ تبادل افکار، عقاید و نظرات در این خانواده‌ها پایین بوده و والدین، هم به تصمیمات فرزندان و هم به ارتباط با آنان، علاقه چندانی ندارند (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲).

بروز تحولات فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی چشم‌گیر، موجب شده است که در سال‌های اخیر، ارتباطات کم‌تری بین فرزندان نوجوان و والدین‌شان، نسبت به دو دهه قبل برقرار شود. عدم برقراری تماس‌های کلامی و غیرکلامی بین والدین و فرزندان، خود می‌تواند مانع جدی و عامل بازدارنده مهمی برای رشد بهنجاری در رفتارهای روان‌شناختی فرزندان باشد. از میان مهم‌ترین پدیده‌های روان‌شناختی، که نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی فرد دارد، خودپنداره<sup>۱۲</sup> است. روان‌شناسان معتقدند، ارتباطات خانوادگی و روابط بین والدین و فرزندان، خودپنداره فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، خودپنداره منعکس‌کننده میزان رضایت خاطر و خشنودی نوجوان، از تعامل و گفت‌وگو با والدین است (کاووسیان و کدیور، ۱۳۸۴). یک خودپنداره خوب، طبق نظر هانت (۱۹۹۷)، موجب سازگاری بهتر نوجوانان با اجتماع می‌شود. دمن (۲۰۰۰) نشان داد، که خودپنداره نوجوان در خانواده جان می‌گیرد و هرگونه نابه‌سامانی در محیط خانواده، باعث احساس ناامنی، عزت‌نفس پایین و خودپنداره‌های غیرمنطقی می‌شود.

همچنین، شاولسون، هابنر و استانسون (۱۹۷۶) معتقدند، که یکی از عوامل اساسی در شکل‌گیری خودپنداره افراد، تعامل با افراد مهم از جمله اعضای خانواده و همسالان است. در این راستا، در میان عوامل متعددی که در شکل‌گیری خودپنداره افراد مؤثرند، خانواده نقش بسیار مهم و حیاتی را ایفا می‌کند. از این‌رو، تأثیر خانواده بر فرزندان، از موضوعاتی است که علاقه محققان،

متخصصان و والدین را جلب کرده است؛ چراکه از این طریق، می‌توان بهتر به تبیین رفتارهای فرزندان و ارائه راهکارهای مناسب پرداخت.

خودپنداره دانش‌آموزان، قسمت مهمی از سازگاری و انطباق آن‌ها، در طول دوران کودکی و نوجوانی است. خودپنداره را می‌توان به مجموعه‌ای از ادراکاتی که هر فرد از خود دارد، تعریف کرد. ادراک هویت خود، نقش مهمی در عملکردهای روان‌شناختی هر فرد ایفا می‌کند (سیمونس، کاپیو، آدریانسنس، البوک و واندنبوسچ، ۲۰۱۲). کلایر<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۷؛ به نقل از جبرئیلی و ملکوتی، ۱۳۸۷) معتقد است، رفتاری که کودکان از خود بروز می‌دهند، انعکاسی از خودپنداره آن‌هاست که تحت تأثیر ارتباطشان با دیگران و درک کودک از واکنش‌های آن‌ها قرار می‌گیرد. خودپنداره، از خود محترم شمردن و خود ارج‌گذاری متمایز است؛ هرچند که در خیلی موارد، به جای همدیگر استفاده می‌شوند.

خودپنداره، شامل بخش گسترده‌ای از ابعاد شناختی، ادراکی، احساسی و رفتاری است (بیرن، ۱۹۸۸ و بیرن، ۱۹۹۶) و خود ارج‌گذاری به نگرش مثبت یا منفی فرد از کل خود اطلاق می‌شود (روزنبرگ، اسکولر، اسکونباک و روزنبرگ، ۱۹۹۵). خودپنداره مثبت، به فرد اعتماد به نفس و احساس امنیت می‌بخشد. درحالی‌که خودپنداره منفی، به میزان زیادی ناسازگاری و ناامنی ایجاد می‌کند (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۵؛ به نقل از علایی‌کرهودی، کیانی، ایزدی و علوی‌مجد، ۱۳۸۸). منداگلیو و پیریت (۱۹۹۵)، خودپنداره را در چهار حیطه: تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی مورد بررسی قرار می‌دهند. خودپنداره تحصیلی، به برداشت فرد و اطرافیانش از میزان هوش و عملکرد او در زمینه تکالیف درسی گفته می‌شود. در خودپنداره اجتماعی، به برداشت فرد و اطرافیان از خود، در زمینه نحوه برخورد با مردم و همچنین قدرت رهبری او اشاره دارد. خودپنداره ورزشی، به شناخت فرد از استعدادهای ورزشی اشاره دارد؛ و خودپنداره ارزشی، بیانگر احساسات فرد نسبت به خود و میزان "انسان خوب بودن" وی می‌باشد. در واقع کودکان، خودپنداره و عزت‌نفس خود را از طریق درک توانایی‌ها و قابلیت‌های‌شان در زمینه‌های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی و همچنین از مشاهده و درک واکنش‌های دیگران نسبت به خود، به دست می‌آورند (هاکنبری، بیتز، ساودن، ۲۰۰۵).

پژوهش‌های بسیاری، به بررسی چگونگی تأثیر نوع الگوی ارتباطی خانواده بر دیگر اعضا، به‌خصوص فرزندان اختصاص یافته‌اند (ساراسون و همکاران، ۱۹۸۳؛ به نقل از کورش‌نیا، ۱۳۸۵؛ کوئرنر و ماکی، ۲۰۰۴؛ تریاندیس و سواين، ۱۹۶۵؛ بروکس، ۱۹۹۷؛ رحیمی و خیر، ۱۳۸۶؛ کورش‌نیا، ۱۳۸۶؛ تجلی و لطیفیان، ۱۳۸۷). در این مطالعات، اگرچه دقیقاً ارتباط الگوهای خانوادگی (گفت‌وشنود و همنوایی) با خودپنداره مورد بررسی واقع نشده، ولی در مطالعاتی چند، به تأثیر خانواده بر خودپنداره فرزندان پرداخته شده است.

خودپنداره تحصیلی، بیان‌کننده ادراک دانش‌آموزان از صلاحیت و شایستگی و علاقه‌مندی و لذت بردن آن‌ها از مباحث سر کلاسی است (ارسون و هلم، ۲۰۰۹). مطالعات (ساراسون<sup>۱۴</sup> و همکاران، ۱۹۸۳؛ به‌نقل از کورش‌نیا، ۱۳۸۵) نشان می‌دهد، که جهت‌گیری هم‌نوایی با اضطراب و استرس، رابطه مثبت و معنادار داشته، ولی با عزت‌نفس و حمایت اجتماعی، رابطه منفی دارد (کوئرنر و ماک، ۲۰۰۴؛ تریاندیس و سواين، ۱۹۶۵).

همچنین، بروکس (۱۹۹۷) معتقد است، در خانواده‌های با گفت‌وشنود بالا، فرزندان دارای عزت‌نفس بالایی هستند؛ به این معنا که فرزندان درمی‌یابند، که از طرف والدین‌شان درک می‌شوند و به آن‌ها اهمیت می‌دهند. در تحقیقاتی نشان داده شده است، گفت‌وشنود بالا، پیش‌بینی‌کننده مثبت و معناداری برای سلامت جسمانی اعضای خانواده است (رحیمی و خیر، ۱۳۸۶)؛ و همچنین خانواده‌های با هم‌نوایی بالا پیش‌بینی‌کننده منفی و معناداری برای سلامت جسمی اعضای خانواده می‌باشند (رحیمی و خیر، ۱۳۸۶). کورش‌نیا (۱۳۸۵) بر تأثیر بعد گفت‌وشنود بر سلامت روانی و سازگاری اعضاء تأکید کرده و معتقد است که بعد گفت‌وشنود، پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار برای اضطراب و افسردگی محسوب می‌شود. تجلی و لطیفیان (۱۳۸۷) نیز ابعاد الگوهای ارتباطی را پیش‌بینی‌کننده هوش هیجانی یافتند. به این صورت که بعد گفت‌وشنود، پیش‌بینی‌کننده مثبت و هم‌نوایی، پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار برای هوش هیجانی است. تحقیقات الوود و اشراذر (۱۹۹۸) نشان می‌دهد، که بین الگوهای ارتباطی خانواده و مسائل ارتباطی فرزندان، رابطه برقرار است.

مطالعات دیگر نیز تأثیر کیفیت ارتباطات والد - فرزندی را بر وسعت و کیفیت ارتباطات اجتماعی فرزندان، معنادار پیش‌بینی کرده‌اند (راتر<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۸؛ به‌نقل از تیلور، ۱۹۹۸؛ لوثیج، ۲۰۰۴؛ ایزر<sup>۱۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۵؛ به‌نقل از رحیمی و خیر، ۱۳۸۸؛ تجلی و لطیفیان؛ ۱۳۸۷). طی تحقیقات انجام‌شده، بازخوردهایی که کودکان در رابطه با توانایی‌های تحصیلی و اجتماعی از اطرافیان می‌گیرند، بر خودپنداره آن‌ها تأثیر می‌گذارد (گایل<sup>۱۷</sup>، میشل<sup>۱۸</sup>، ۱۹۹۸؛ به‌نقل از جبرئیلی و ملکوتی، ۱۳۸۷). دانش، معنوی‌شاد، خوشایبی و حسن‌زاده توکلی (۱۳۹۳) نیز در مطالعه خود نشان دادند، که شیوه‌های فرزندپروری والدین به همراه خشم می‌تواند خودپنداره تحصیلی و شادی را پیش‌بینی کند. نیز بشارت، بزازیان، قربانی و اصغری (۱۳۹۳)، در مطالعه خویش دریافتند که وقتی خانواده از خودپیروی فرزندان حمایت می‌کند، خودشناسی انسجامی فرزندان تقویت می‌شود.

در چندین مطالعه نشان داده شده است، که در خودپنداره و ادراک بدنی، بین پسر و دختر از نظر جنسیتی تفاوت‌هایی وجود دارد (دی مارست و آلن، ۲۰۰۰؛ کرنی - کوک، ۱۹۹۹؛ مایانو، نینوت و بیلارد، ۲۰۰۴؛ موس و کاش، ۱۹۹۷ و اسمولاک، ۲۰۰۴)؛ به این صورت که دختران نوجوان، تمایل دارند ظاهر جسمانی خود را بهتر از ظرفیت‌های حافظه و هوش‌شان ارزیابی کنند و بیش‌تر به

ظاهرشان توجه دارند (کرنی - کوک، ۱۹۹۹؛ موس و کاش، ۱۹۹۷). همان‌طور که قبلاً گفته شد، تحقیقاتی به بررسی ارتباط خانواده با ویژگی‌های فرزندان اختصاص یافته‌اند.

در ادامه، به شرح برخی از این تحقیقات می‌پردازیم. مطالعات اسمولاک (۲۰۰۴) به این اشاره دارد، که دختران با چاق بودن‌شان مشکل دارند، درحالی‌که پسران دوست دارند بیش‌تر به‌وسیله نیروهای عضلانی و ماهیچه‌ای‌شان سنجیده شوند. از سوی دیگر، دختران فکر می‌کنند که پسران از دختران لاغر خوش‌شان می‌آید و پسران نیز تصور می‌کنند که دختران، پسران عضلانی و ماهیچه‌ای را بیش‌تر ترجیح می‌دهند (دی‌مارست و آلن، ۲۰۰۰).

همان‌طور که انتظار می‌رود، بین خودپنداره و افکار و عواطف، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. بسیاری از محققان بر این باورند، به همان میزان که افراد به یک هویت یا خودپنداره منسجم و مشخص دست می‌یابند، با احساسات مثبت یا منفی گوناگون درگیر می‌شوند. به اعتقاد آنان، باورهای ناهماهنگ و از هم گسیخته در مورد «خود»، به مشکلات عاطفی و هیجانی متعددی منجر می‌شود (کوپر و پروین، ۱۹۹۸). در واقع، افرادی که دارای خودپنداره واضح، خوب تعریف شده، هماهنگ و تقریباً باثباتی هستند، از سلامت روان‌شناختی بیش‌تری برخوردارند (کمپبل و همکاران، ۱۹۹۶؛ به نقل از شیخ‌الاسلامی و لطیفیان، ۱۳۸۱).

به اعتقاد بارنت و گوتلیب (۱۹۸۸)، این احتمال وجود دارد که رویدادهای منفی زندگی، در افرادی که از احساس خودارزشی چندانی برخوردار نیستند، افسردگی بیش‌تری ایجاد نماید؛ کلافی، علیشاهی و روحانی (۱۳۷۷) نیز، بر رابطه بین عزت‌نفس و افسردگی تأکید داشته و ابراز می‌دارند، که «عزت‌نفس»، بعد ارزشی خودپنداره محسوب می‌گردد.

در واقع ماهیت عزت‌نفس، بر روند تفکر، عواطف، هیجانات، تمایلات و اهداف، اثر عمیقی می‌گذارد (کوپر اسمیت، ۱۹۶۷). برای کودکانی که تأثیر خود را کم می‌پندارند، احتمال این‌که ارزیابی‌های منفی از رفتار خود داشته باشند، بیش‌تر است. وقتی میزان خودکارآمدی آنان در حیطه فعالیت خاصی پایین باشد، حتی اگر نسبت به آن علاقه‌مند هم باشند، تمایل پیدا می‌کنند که از آن فعالیت خاص دوری نمایند (ویگفیلد و کارپاتیان، ۱۹۹۱). در عوض، کودکان و نوجوانانی که در روابط اجتماعی، کارآمدی خود را مثبت یا بالا ادراک می‌کنند، کم‌تر احساس تنهایی دارند؛ با پی‌آمدهای دردناک، اعم از جسمی و روانی، سازگاری بهتری داشته، برای شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه آماده‌ترند و از نظر تحصیلی نیز سازگارتر بوده و در تعاملات اجتماعی با سایر کودکان و همسالان، مشکلات کم‌تری دارند (بوهس، ۲۰۰۵).

با توجه به آن‌چه گفته شد، خودپنداره دانش‌آموزان، بخش مهمی از دنیای روان‌شناختی آن‌ها را تشکیل می‌دهد و رشد آن، یکی از پیش‌نیازهای تکوین شخصیت سالم است و خانواده می‌تواند، نقش سازنده‌ای در پرورش آن داشته باشد. بنابراین، تعاملات اعضای خانواده - به‌ویژه والدین با فرزندان، در

چگونگی شکل‌دهی خودپنداره فرزندان مؤثر است؛ تأثیر خانواده بر فرآیند تحول کودکان، چنان بارز است که صاحب‌نظران روان‌شناسی علی‌رغم اختلاف در زمینه‌های مختلف، در مورد اهمیت خانواده و تأثیر آن بر رشد، دارای نقطه نظرات مشترک هستند. اکثر روان‌شناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل والدین و فرزندان را، اساس رشد کودک تلقی می‌کنند (درویزه، ۱۳۸۳؛ به نقل از دانش و همکاران، ۱۳۹۳).

از این‌رو، بررسی ویژگی‌های خودپنداره دانش‌آموزان و عوامل مؤثر بر آن، می‌تواند اطلاعات مهمی را در اختیار والدین و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار دهد و در اصلاح برنامه‌های آموزشی و تربیتی مؤثر واقع شود. به علاوه، اطلاعات حاصل از چنین پژوهش‌هایی، می‌تواند در خودارزیابی دانش‌آموزان و شناخت بهتر موقعیت فردی و اجتماعی آن‌ها مثمر ثمر باشد. نیز درک بهتر از توان‌مندی‌های خود در آن‌ها ایجاد نموده و شرایط را برای عملی کردن روش‌های خودتنظیمی در رفتارهای فردی - اجتماعی و تحصیلی در آن‌ها فراهم آورد. از این‌رو، با توجه به اهمیت موضوع و این‌که تا کنون، پژوهشی به بررسی رابطه خودپنداره فرزندان با تعاملات گفت‌ووشنودی و همنوایی خانواده نپرداخته است، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است که:

۱. آیا الگوهای ارتباطی خانواده (همنوایی و گفت‌وشنود) به صورت معناداری ابعاد خودپنداره (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی) را پیش‌بینی می‌کند؟
۲. آیا رابطه خودپنداره (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی) و الگوهای ارتباطی خانواده (همنوایی و گفت‌وشنود) در دختران معنادار است؟
۳. آیا رابطه خودپنداره (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی) و الگوهای ارتباطی خانواده (همنوایی و گفت‌وشنود) در پسران معنادار است؟

### روش پژوهش

این پژوهش به دلیل بررسی رابطه بین متغیرهای ارتباط خانوادگی و خودپنداره، از نوع همبستگی می‌باشد.

### جامعه و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش حاضر، متشکل از تمام دانش‌آموزان دختر و پسر شهر شیراز بود، که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ در مقطع راهنمایی تحصیل می‌کردند. نمونه پژوهش، شامل ۱۹۲ دانش‌آموز مقطع راهنمایی شهر شیراز (۹۵ دختر و ۹۷ پسر) بوده، از افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، ۶۰ نفر در کلاس اول، ۶۱ نفر در کلاس دوم و ۷۰ نفر در کلاس سوم مشغول به تحصیل بودند. لازم به ذکر است که متخصصان معتقدند، در مطالعاتی که به بررسی روابط متغیرها پرداخته می‌شود، - همانند پژوهش حاضر- حضور حداقل ۳۰ نفر در نمونه لازم است (نادری و سیف‌نراقی، ۱۳۷۴).



در مطالعه حاضر، شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای خوشه‌ای به کار گرفته شد. بدین صورت که از بین ۴ ناحیه آموزش و پرورش شهر شیراز، یک ناحیه به صورت تصادفی انتخاب، سپس یک مدرسه راهنمایی دخترانه و یک مدرسه پسرانه به شیوه تصادفی انتخاب، از بین کلاس‌های هر مدرسه، یک کلاس اول، یک کلاس دوم و یک کلاس سوم به صورت اتفاقی گزینش و در نهایت تمام دانش‌آموزان هر کلاس، نمونه پژوهش حاضر را تشکیل دادند. گفتنی است، کل افراد نمونه ۲۰۵ نفر بودند که در زمان تحلیل اطلاعات، ۱۳ نفر به دلیل ناقص بودن پرسش‌نامه آن‌ها (به درستی تکمیل نشده بودند)، از کل نمونه حذف شدند.

در نتیجه، ملاک ورود افراد به نمونه پژوهش حاضر، دانش‌آموزان کلاس‌های اول، دوم و سوم دوره راهنمایی تحصیلی و ملاک خروج از نمونه، عدم پاسخ‌گویی کامل به ابزارهای پژوهش بوده است.

### ابزار پژوهش

در این تحقیق، برای ارزیابی روابط خانوادگی و خودپنداره، از دو پرسش‌نامه استفاده شد که در ادامه، شرح این ابزارها آورده خواهد شد.

**پرسش‌نامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی**<sup>۱۹</sup>: به منظور بررسی ابعاد الگوهای ارتباطی (گفت‌وشنود و همنوایی)، از مقیاس تجدیدنظر شده الگوی ارتباطی خانواده، که توسط کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) ساخته شده، بهره گرفته شد. این ابزار، یک مقیاس خودسنجی است که توسط فرزندان تکمیل می‌شود و میزان موافقت یا عدم موافقت پاسخ‌دهنده را، در دامنه‌ای پنج درجه‌ای در مورد ۲۶ گزاره، که مربوط به ارتباطات خانوادگی او هستند، می‌سنجد. نمره ۵ معادل "کاملاً موافقم" و نمره ۱ معادل "کاملاً مخالفم" است.

این ابزار، ابعاد گفت‌وشنود و همنوایی را مورد سنجش قرار می‌دهد؛ به این صورت که ۱۵ گزاره اول، مربوط به بعد گفت‌وشنود و ۱۱ گزاره بعدی، مربوط به بعد همنوایی است. کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲)، روایی محتوایی، سازه‌ای و پایایی (آلفای کرونباخ و بازآزمایی) این مقیاس را مطلوب گزارش کرده و میزان ضریب آلفای کرونباخ را برای بعد گفت‌وشنود این مقیاس ۰/۸۹ و برای بعد همنوایی ۰/۷۹ به دست آوردند. این پرسش‌نامه، در ایران توسط کورش‌نیا و لطیفیان در سال ۱۳۸۶ ترجمه شد و ضریب آلفای کرونباخ را برای بعد گفت‌وشنود ۰/۸۷ و برای بعد همنوایی ۰/۸۱ گزارش کردند. همچنین، روایی سازه‌ای را با استفاده از روش تحلیل عامل، مطلوب گزارش نمودند.

کشتکاران (۱۳۸۸)، میزان آلفای کرونباخ را برای پی بردن به پایایی خرده مقیاس گفت‌وشنود و همنوایی، به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۸۹ به دست آورد. در پژوهش دیگر توسط رحیمی و یوسفی (۱۳۸۹)، به منظور تعیین روایی، از تحلیل عامل و برای تعیین پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده

است. نتایج تحلیل عامل، وجود دو عامل مقیاس را تأیید کرد و ضریب آلفای ۰/۹۳ برای بعد گفت‌و شنود و ۰/۸۵ برای بعد هم‌نوایی، محاسبه شد. در مطالعه حاضر نیز، پایایی این پرسش‌نامه به شیوه آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. این ضریب، برای بعد هم‌نوایی ۰/۶۱ و برای بعد گفت‌و شنود ۰/۸۶ به دست آمد.

**پرسش‌نامه خودپنداره:** در این پژوهش، مقیاس خودپنداره (P.M.S.P.S) که توسط منداگلیو و پیریت (۱۹۹۵) ساخته شده، مورد استفاده قرار گرفته است. این پرسش‌نامه، چهار بعد خودپنداره (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی) را می‌سنجد و شامل سه بخش است. بخش اول، مشتمل بر اطلاعاتی در زمینه مشخصات عمومی افراد همچون: سن، جنس، پایه تحصیلی و... است.

در بخش دوم، میزان اهمیت نظر افرادی همچون: پدر، مادر، معلم و بهترین دوست که در زندگی آزمودنی نقش دارند و همچنین نظر آزمودنی از میزان اهمیت چهار مقوله: تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی بر اساس گزینه‌های: خیلی مهم (نمره ۳)، مهم (نمره ۲) و بی‌اهمیت (نمره ۱) سنجیده می‌شود.

بخش سوم پرسش‌نامه، شامل ۲۴ سؤال است که ابعاد مختلف خودپنداره (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی) را می‌سنجد و از آزمودنی خواسته می‌شود که نظرات خود را در قالب چهار بخش (کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم و کاملاً مخالفم) مشخص کند و نمره‌ای از ۱ تا ۴ به آن تعلق می‌گیرد. این بخش از پرسش‌نامه بر اساس سه دیدگاه برداشت بازتابی، مقایسه اجتماعی و اسناد تنظیم شده است.

البرزی و سامانی (۱۳۷۸)، مقدار ضریب آلفای کرونباخ را برای این مقیاس ۰/۸۷ و پایایی مقیاس با روش بازآزمایی را ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند، روایی محتوایی این مقیاس نیز توسط این محققان مورد تأیید قرار گرفته است. عطاپور (۱۳۷۸) نیز در پژوهش خود، پایایی این مقیاس را با روش بازآزمایی ۰/۵۸ گزارش نموده است.

شیخ‌الاسلامی و لطیفیان (۱۳۸۱)، به منظور بررسی روایی محتوایی پرسش‌نامه از روش نظرخواهی از متخصصان و اساتید دانشگاه استفاده کردند، که نتیجه را مطلوب اعلام نمودند. همچنین در پژوهش البرزی و خیر (۱۳۸۸)، روایی پرسش‌نامه از روش همبستگی با آزمون‌های مشابه و پایایی آن با استفاده از روش بازآزمایی در فاصله یک ماه و روش آلفای کرونباخ مطلوب گزارش شده است. در تحقیق حاضر نیز، ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برای ابعاد تحصیلی، اجتماعی، ارزشی و ورزشی، ۰/۶۱، ۰/۶۲، ۰/۶۴ و ۰/۸۰ بود.

## روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل اطلاعات از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

## یافته‌های پژوهش

نتایج این مطالعه، بر اساس سؤالات پژوهش در سه بخش شرح داده خواهد شد. در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای الگوهای ارتباطی خانواده (گفت‌وشنود و همنوایی) و خودپنداره (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی)، آمده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای الگوهای ارتباطی خانواده و خودپنداره به تفکیک جنسیت

کل		جنسیت				متغیرها	
		پسر		دختر			
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۸	۳۰/۹۸	۷/۸۱	۳۱/۲۱	۸/۲۳	۳۰/۷۴	همنوایی	
۱۰/۵۸	۴۸/۴۶	۱۰/۸۵	۴۷/۸۱	۱۰/۳۱	۴۹/۱۳	گفت‌وشنود	
۲/۸۴	۱۸/۹۲	۲/۹۳	۱۹/۱۲	۲/۷۵	۱۸/۷۱	تحصیلی	
۳/۱۶	۱۸/۲۱	۳/۵۵	۱۷/۸۹	۲/۶۸	۱۸/۵۵	اجتماعی	
۲/۶۳	۲۰/۰۱	۲/۹۴	۲۰/۱۷	۲/۲۹	۱۹/۸۴	ارزشی	
۴/۰۲	۱۸/۰۵	۴/۱۵	۱۸/۲۵	۳/۸۹	۱۷/۸۵	ورزشی	

الف) بررسی سؤال اول پژوهش: برای پاسخ به سؤال اول پژوهش، از تحلیل رگرسیون چند متغیری در تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج، در جداول ۲ و ۳ درج شده‌اند.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	همنوایی	۱					
۲	گفت‌وشنود	-۰/۳**	۱				
۳	خود پنداره تحصیلی	۰/۰۴	۰/۳۵**	۱			
۴	خود پنداره اجتماعی	-۰/۱۵	۰/۳۶**	۰/۳۶**	۱		
۵	خود پنداره ارزشی	-۰/۱۷**	۰/۴۵**	۰/۶۱**	۰/۵۲**	۱	
۶	خود پنداره ورزشی	-۰/۲۳**	۰/۴۰**	۰/۳۰**	۰/۳۰**	۰/۳۸**	۱

$p < ۰/۰۵^*$ ،  $p < ۰/۰۱^{**}$

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد، به‌جز همبستگی خودپنداره تحصیلی و خودپنداره اجتماعی با بعد همنوایی، همبستگی بین بقیه ابعاد خودپنداره با ابعاد ارتباط خانوادگی، معنادار است؛ به‌طوری‌که بالاترین همبستگی بین خودپنداره ارزشی و ارتباط گفت‌وشنود ( $I = ۰/۴۵$  و  $p < ۰/۰۱$ ) بوده است. برای بررسی میزان پیش‌بینی‌کنندگی الگوهای ارتباطی خانواده با خودپنداره دانش‌آموزان، از تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شد. نتایج در جدول ۳ آورده شده است.

## جدول ۳: نتایج رگرسیون خودپنداره تحصیلی، اجتماعی، ارزشی و ورزشی

## بر هم‌نوایی و گفت‌وشنود خانواده

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	R	R <sup>2</sup>	F	P	$\beta$	T	P
تحصیلی	هم‌نوایی	۰/۳۸	۰/۱۵	۱۲/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۸۴	۰/۳۹
	گفت‌وشنود					۰/۴۰	۴/۸۸	۰/۰۱
اجتماعی	هم‌نوایی	۰/۳۸	۰/۱۵	۱۱/۹۹	۰/۰۱	-۰/۰۹	-۱/۰۵	۰/۲۹
	گفت‌وشنود					۰/۳۴	۴/۲۴	۰/۰۱
ارزشی	هم‌نوایی	۰/۴۷	۰/۲۲	۱۷/۶۷	۰/۰۱	-۰/۰۷	-۰/۷۸	۰/۴۳
	گفت‌وشنود					۰/۴۵	۵/۳۸	۰/۰۱
ورزشی	هم‌نوایی	۰/۴۳	۰/۱۹	۱۶/۷۶	۰/۰۱	-۰/۱۳	-۱/۶۱	۰/۱۰
	گفت‌وشنود					۰/۳۸	۱/۸۷	۰/۰۱

نتیجه تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که؛

۱. ارتباط خانوادگی (هم‌نوایی و گفت‌وشنود) به پیش‌بینی ۱۵٪ از واریانس خودپنداره تحصیلی انجامید ( $R=0/38$  و  $R^2=0/15$ ). از بین انواع ارتباط خانوادگی، ارتباط گفت‌وشنود به‌صورت معنادار و مثبت به پیش‌بینی خودپنداره تحصیلی پرداخته است ( $\beta=0/40$  و  $p<0/01$ )؛ به‌گونه‌ای که با بالا رفتن ارتباطات گفت‌وشنودی در خانواده، میزان خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد.

۲. ۱۵٪ از واریانس خودپنداره اجتماعی، توسط ارتباط هم‌نوایی و گفت‌وشنود پیش‌بینی شده است ( $R=0/38$  و  $R^2=0/15$ ). بررسی میزان  $\beta$  نشان داد که ارتباط گفت‌وشنود به پیش‌بینی معنادار و مثبت خودپنداره اجتماعی پرداخته است ( $\beta=0/34$  و  $p<0/01$ ). این یافته بدین معناست، که با تقویت ارتباطات گفت‌وشنود در خانواده، خودپنداره اجتماعی فرزندان افزایش می‌یابد.

۳. ۲٪ از واریانس خودپنداره ارزشی، توسط انواع ارتباطات خانوادگی پیش‌بینی شده است ( $R=0/47$  و  $R^2=0/22$ ). این نوع خودپنداره، توسط ارتباط گفت‌وشنود به‌صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی شده است ( $\beta=0/45$  و  $p<0/01$ ).

۴. ارتباطات هم‌نوایی و گفت‌وشنود، به پیش‌بینی ۱۹٪ از واریانس خودپنداره ورزشی منجر شدند ( $R=0/43$  و  $R^2=0/19$ ). ارتباط گفت‌وشنود، به‌صورت معنادار و مثبت به پیش‌بینی خودپنداره ورزشی پرداخته است ( $\beta=0/38$  و  $p<0/01$ )؛ به‌گونه‌ای که با افزایش ارتباطات گفت‌وشنودی در خانواده، میزان خودپنداره ورزشی فرزندان بهبود می‌یابد.

۵. همچنین نتایج نشان می‌دهد، که ارتباط هم‌نوایی به‌صورت منفی، خودپنداره اجتماعی، ارزشی و ورزشی و به‌صورت مثبت، خودپنداره تحصیلی را پیش‌بینی نموده، اما این متغیر، قدرت پیش‌بینی معناداری برای هیچ‌کدام از انواع خودپنداره را نداشته است.

ب) بررسی پرسش دوم و سوم پژوهش: برای پاسخ به این دو سؤال، ابتدا همبستگی بین متغیرها در دو گروه دخترها و پسرها به‌صورت جداگانه محاسبه شد (جدول ۴). سپس از آزمون رگرسیون

چند متغیری هم‌زمان، به منظور ارزیابی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی الگوهای ارتباطی خانواده، برای انواع خودپنداره دانش‌آموزان استفاده گردید (جدول ۵).

جدول ۴: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش به صورت جداگانه در گروه دختران و پسران

متغیر		۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. همنوایی	دختر	۱					
	پسر	۱					
۲. گفت‌وشنود	دختر	-۰/۳۵**	۱				
	پسر	-۰/۲۱	۱				
۳. خود پنداره تحصیلی	دختر	۰/۱۳	۰/۲۶*	۱			
	پسر	-۰/۰۸	۰/۴۰**	۱			
۴. خود پنداره اجتماعی	دختر	-۰/۰۵	۰/۲۶*	۰/۳۳**	۱		
	پسر	-۰/۲۲	۰/۴۴**	۰/۳۹**	۱		
۵. خود پنداره ارزشی	دختر	-۰/۰۷	۰/۴۰**	۰/۴۷**	۰/۵۵**	۱	
	پسر	-۰/۲۷*	۰/۵۱**	۰/۷۱**	۰/۵۰**	۱	
۶. خود پنداره ورزشی	دختر	-۰/۲۰*	۰/۲۷*	۰/۲۳**	۰/۲۹**	۰/۲۸*	۱
	پسر	-۰/۲۶*	۰/۵۲**	۰/۳۶**	۰/۳۲**	۰/۴۶**	۱

$p < 0.05^*$  و  $p < 0.01^{**}$

همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، بیش‌ترین همبستگی بین متغیرهای ارتباط خانوادگی و خودپنداره، در گروه دخترها، متعلق به ارتباط بین خودپنداره ارزشی و ارتباط گفت‌وشنود است ( $r = 0.40$ ،  $p < 0.01$ ) و در گروه پسرها، مربوط به رابطه بین خودپنداره ورزشی و ارتباط گفت‌وشنود ( $r = 0.52$ ،  $p < 0.01$ ) است. کم‌ترین ضریب همبستگی معنادار در گروه دخترها، متعلق به رابطه بین خودپنداره ورزشی و ارتباط همنوایی ( $r = -0.20$ ،  $p < 0.01$ ) و در گروه پسرها، مربوط به ارتباط بین همین دو متغیر ( $r = -0.26$ ،  $p < 0.01$ ) است.

جدول ۵: نتایج رگرسیون خود پنداره تحصیلی، اجتماعی، ارزشی و ورزشی بر همنوایی و گفت‌وشنود خانواده در گروه دختران و پسران

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	جنسیت													
		پسر							دختر						
		P	T	$\beta$	P	F	$R^2$	R	P	T	$\beta$	P	F	$R^2$	R
تحصیلی	همنوایی	۰/۲۰	-۰/۱۱	-۰/۰۱	۰/۰۱	۱۰/۹۲	۰/۲۴	۰/۴۹	۰/۳۲	۰/۹۸	۰/۱۲	۰/۰۴	۳/۱۶	۰/۰۸	۰/۲۹
	گفت‌وشنود	۰/۰۱	۴/۶۰	۰/۴۹	۰/۰۱	۱۰/۹۲	۰/۲۴	۰/۴۹	۰/۰۱	۲/۵۰	۰/۳۰	۰/۰۴	۳/۱۶	۰/۰۸	۰/۲۹
اجتماعی	همنوایی	۰/۶۷	-۱/۳۷	-۰/۱۴	۰/۰۱	۱۰/۵۱	۰/۲۳	۰/۴۸	۰/۸۹	-۰/۱۲	-۰/۰۲	۰/۰۸	۲/۵۹	۰/۰۷	۰/۲۶
	گفت‌وشنود	۰/۰۵	۳/۹۱	۰/۴۲	۰/۰۱	۱۰/۵۱	۰/۲۳	۰/۴۸	۰/۰۵	۲/۰۶	۰/۲۶	۰/۰۸	۲/۵۹	۰/۰۷	۰/۲۶
ارزشی	همنوایی	۰/۸۷	-۱/۶۰	-۰/۱۷	۰/۰۱	۱۴/۵۱	۰/۳۲	۰/۵۷	۰/۷۸	۰/۲۷	-۰/۰۳	۰/۰۰۵	۵/۷۸	۰/۱۵	۰/۳۹
	گفت‌وشنود	۰/۰۱	۴/۵۸	۰/۵۰	۰/۰۱	۱۴/۵۱	۰/۳۲	۰/۵۷	۰/۰۱	۳/۲۶	۰/۴۰	۰/۰۰۵	۵/۷۸	۰/۱۵	۰/۳۹
ورزشی	همنوایی	۰/۵۵	-۱/۵۹	-۰/۱۶	۰/۰۱	۱۶/۴۲	۰/۳۲	۰/۵۷	۰/۳۲	-۰/۹۹	-۰/۱۳	۰/۰۳	۳/۶۷	۰/۰۹	۰/۳۰
	گفت‌وشنود	۰/۰۱	۵/۰۱	۰/۵۱	۰/۰۱	۱۶/۴۲	۰/۳۲	۰/۵۷	۰/۰۵	۲/۰۳	۰/۲۴	۰/۰۳	۳/۶۷	۰/۰۹	۰/۳۰

جدول بالا نشان می‌دهد که:

۱. انواع ارتباط خانوادگی در گروه دخترها توانسته است، ۸٪ از تغییرات خودپنداره تحصیلی را پیش‌بینی کند و در گروه پسرها، این مقدار ۲۴٪ است. ارتباط گفت‌وشنود هم در گروه دخترها ( $\beta=0/30$ ،  $p<0/01$ ) و هم در گروه پسرها ( $\beta=0/49$  و  $p<0/01$ ) به صورت مثبت و معنادار، به پیش‌بینی خودپنداره تحصیلی پرداخته است. لازم به ذکر است که در هیچ‌کدام از گروه‌ها، ارتباط هم‌نوایی، قدرت پیش‌بینی معناداری نداشته است.
۲. در گروه دخترها ۷٪ و در گروه پسرها ۲۳٪ از تغییرات خودپنداره اجتماعی، توسط انواع ارتباط خانواده پیش‌بینی شده است. ارتباط هم‌نوایی در هیچ‌کدام از گروه‌ها، نتوانسته است به صورت معناداری خودپنداره اجتماعی را پیش‌بینی کند؛ اما خودپنداره اجتماعی، هم در گروه دختران ( $\beta=0/26$ ،  $p<0/05$ ) و هم در گروه پسران ( $\beta=0/42$  و  $p<0/01$ ) به صورت مثبت و معنادار، توسط ارتباط گفت‌وشنود پیش‌بینی شده است.
۳. انواع ارتباط خانوادگی در گروه دخترها ۱۵٪ و در گروه پسرها ۳۳٪ از تغییرات خودپنداره ارزشی را پیش‌بینی نموده است. ارتباط گفت‌وشنود به صورت مثبت و معنادار توانسته است، خودپنداره ارزشی را هم در گروه دخترها ( $\beta=0/40$ ،  $p<0/01$ ) و هم در گروه پسرها ( $p<0/01$ )، پیش‌بینی کند. اما ارتباط هم‌نوایی، نتوانسته است به صورت معناداری، خودپنداره ارزشی را در هیچ‌کدام از گروه‌ها پیش‌بینی کند.
۴. در نهایت انواع ارتباط خانواده توانسته است، در گروه دخترها ۹٪ و در گروه پسرها ۳۲٪ از تغییرات خودپنداره ورزشی را پیش‌بینی کند. این متغیر به صورت مثبت و معنادار توسط ارتباط گفت‌وشنود، هم در گروه دخترها ( $\beta=0/24$ ،  $p<0/05$ ) و هم در گروه پسرها ( $\beta=0/51$ ،  $p<0/01$ ) پیش‌بینی شده است. اما ارتباط هم‌نوایی، قدرت پیش‌بینی معناداری، در هیچ‌کدام از گروه‌ها نداشته است.

### بحث و بررسی

نتایج تحقیق نشان داد، الگوی ارتباطی هم‌نوایی، پیش‌بینی‌کننده هیچ‌یک از انواع خودپنداره نیست؛ اما الگوی ارتباطی گفت‌وشنود، پیش‌بینی‌کننده مثبت و معناداری برای انواع خودپنداره (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ورزشی) می‌باشد. این یافته، با یافته‌های مطالعات تیلور (۱۹۹۸)، لویچ (۲۰۰۴)، ایزر و همکاران (۲۰۰۵)؛ به نقل از رحیمی و خیر، (۱۳۸۸)، دمن (۲۰۰۰)، دانلوپ، بورنز و برمیگام (۲۰۰۱)، کشاورز، فیروزبخت، فولادچنگ (۱۳۹۰) و سپهری و مظاهری (۱۳۸۸)، که مبنای شکل‌گیری خودپنداره را خانواده می‌دانند و نشان می‌دهند که الگوهای مرادده‌ای خانواده در این فرآیند نقش مؤثری دارد، هماهنگ است. بر این اساس، محیط خانوادگی حمایت‌پذیر، گرم و با

تعاملات باز و آزاد برای ابراز عقاید و نظرات اعضای خانواده، فرصت استقلال، خودشکوفایی، شناخت خود و سازگاری و افزایش خودپنداره را برای فرزندان فراهم می‌کند. در واقع کودکانی که در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که در آن‌ها اساس تعاملات خانوادگی بر مبنای گفت‌و شنود است و خانواده با فرزندان از طریق کلام وارد مشورت می‌شود، احساس حرمت نفس نموده و کم‌کم نسبت به توانمندی‌های خود برداشتی مثبت کسب می‌کنند که نتیجه آن شکل‌گیری خودپنداره‌ای مثبت در آن‌ها می‌باشد. نظریه ستیر نیز می‌گوید: خانواده‌های دارای الگوهای ارتباطی سالم، ویژگی‌هایی از قبیل نشاط و سرزندگی، محبت، علاقه و ارزش قائل شدن برای یکدیگر را دارا هستند.

به بیان دیگر، خانواده‌هایی که از جو گفت‌و شنود بالایی برخوردارند، فرزندان را تشویق می‌کنند تا احساسات، عواطف و افکار و عقاید خود را آزادانه ابراز کنند و به اعضاء این امکان داده می‌شود، تا در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، عقاید و نظرات خود را بیان نموده و سهمی در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند. در نتیجه، فرزندان احساس می‌کنند که در مدرسه، از بچه‌های هم‌سن و سال خودشان باهوش‌ترند. بنابراین، در انجام تکالیف درسی، عملکرد بهتری از خود نشان داده، با اطرافیان و دوستان بهتر ارتباط برقرار می‌کنند و دارای استعدادهای ورزشی بیش‌تری هستند.

هم‌چنین نشان داده‌اند، که انسان‌های بالیاقت و شایسته‌ای می‌باشند و بازخوردهایی را که در رابطه با توانایی‌های تحصیلی، اجتماعی، ارزشی و ورزشی از اطرافیان‌شان از قبیل پدر، مادر، معلم و دوستان‌شان می‌گیرند، مثبت ارزیابی کرده‌اند. در تبیین این موضوع می‌توان گفت، والدینی که فرزندان خود را تشویق می‌کنند، تا در مورد مسائل مختلف به تفکر و بحث بپردازند و از تأکید بیش از حد بر همنوایی نیز پرهیز می‌نمایند، زمینه را برای فرزندان خود فراهم می‌سازند تا خود وجودی خود را بهتر بشناسند و بتوانند آن را قوی‌تر بروز دهند و این شناخت و بروز خود، در زمینه‌های مختلف از قبیل تحصیل، ورزش و... اتفاق خواهد افتاد.

برعکس، والدینی که بر هماهنگی بین اعضاء خانواده و اجتناب از تعارض‌ها و مجادله‌ها تأکید دارند و از بحث و ابراز عقیده در مورد مسائل مختلف جلوگیری می‌کنند، می‌توانند فرزندان خود را به سمتی سوق دهند که داشته‌های خود را فراموش کنند و حتی در برداشت خود از توانمندی‌های خویش، هماهنگ با محیط باشند، تا خود. در واقع، به نظر می‌رسد در چنین خانواده‌هایی، فرزندان مکانیکی و مطیع پرورش خواهند یافت. مطالعه هندرسون، داکوف، اسکوارتز و لیدل، (۲۰۰۶) نشان داد، که نوجوانان منشأ بسیاری از مشکلات خود را، عدم برخورداری از قدرت تصمیم‌گیری در خانواده می‌دانند. به‌طور کلی، در خانواده‌هایی که تضاد و برخورد بین والدین و فرزندان و روابط غلط حاکم است، فرزندان به‌طور جدی، از لحاظ عملکرد اجتماعی و خودپنداره دچار مشکل هستند.

در عوض، افرادی که در دوران نوجوانی از حمایت عاطفی و ارتباط مناسب با والدین برخوردار بوده‌اند، در بزرگسالی از سلامت روحی و جسمی بهتری برخوردارند. به‌عبارت دیگر، مشکلاتی که

افراد و خانواده‌ها تجربه می‌کنند، نتیجه فرآیندهای میان فردی و درون فردی است. هر قدر این روابط سنجیده و مورد توافق اعضای خانواده باشد، به همان نسبت به رشد و تکامل خودپنداره فرزندان کمک می‌کند. در حقیقت، خانواده با برقراری ارتباط نزدیک با فرزند خود، نقش مهمی را در شکل‌گیری خودپنداره او دارد. به این معنا که فرزندان درمی‌یابند، در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، برای نظرات، عقاید و احساسات آن‌ها احترام و ارزش قائل می‌شود و هرکدام به نوبه خود، می‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها نقش داشته و مثر ثمر واقع شوند. در نتیجه، خودپنداره آن‌ها رشد می‌کند.

نتیجه دیگر پژوهش حاضر، مبنی بر همبستگی منفی ارتباط از نوع همنوایی با تمام انواع خودپنداره به جز خودپنداره تحصیلی، با مطالعات ساراسون و همکاران (۱۹۸۳؛ به نقل از کورش‌نیا، ۱۳۸۵)، کوئرنر و ماکی (۲۰۰۴)، تریاندیس و سواپن (۱۹۶۵)، رحیمی و خیر (۱۳۸۶)، همخوانی دارد؛ به طوری که کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۴) نیز به وجود مهارت‌های اجتماعی، توانایی رهبری و عزت نفس پایین‌تر در فرزندان خانواده‌های دارای جهت‌گیری همنوایی اشاره می‌کنند. در خانواده‌هایی که الگوی ارتباطی بین اعضاء مبتنی بر همنوایی و یکرنگی عقاید و نگرش‌ها، اجتناب از تعارض و وابستگی اعضای خانواده به یکدیگر است و والدین اعمال قدرت می‌کنند و برای فرزندان تصمیم می‌گیرند، کودکان، مطیع تصمیمات والدین می‌شوند و نسبت به توانایی خود در تصمیم‌گیری بی‌اعتماد شده و در قضاوت‌ها و عقاید شخصی‌شان، کفایت کم‌تری دارند.

در تمام یافته‌های این پژوهش، قدرت پیش‌بینی ارتباط خانواده برای انواع خودپنداره و واریانس تبیین شده در گروه پسرها، بیش از گروه دخترها بوده است. این نتیجه با یافته‌های کاووسیان و کدیور (۱۳۸۴)، حسین‌چاری (۱۳۸۶)، لانگ (۱۹۹۱)، مزیدی و البرزی (۱۳۸۸)، جکسون و نویر (۱۹۹۶)، اشنایدر، کلای، بیرن، لاندینگان و کرانبی (۱۹۸۹) و گامبینو و رجسکیند (۱۹۹۰)، که نشان دادند بین خودپنداره دانش‌آموزان دختر و پسر، به نفع پسران- تفاوت آماری معناداری وجود دارد، همسو است.

به‌عبارت دیگر، انواع ارتباط خانوادگی، با خودپنداره پسرها بیشتر از خودپنداره دخترها مرتبط است؛ اما نتایج مذکور، با نتایج تحقیقات مشابه البرزی و سامانی (۱۳۷۸)، میلگرام و میلگرام (۱۹۷۶)، ناهماهنگ است. نتایج حاصل از تحقیقات مشابه با این تحقیق، عمدتاً متفاوت است و این امر، نشان‌دهنده وجود عوامل متعدد تأثیرگذار بر خودپنداره می‌باشد. یکی از عوامل مهم و مؤثر در پیدایش نتایج حاصل از این تحقیق، بافت خانوادگی و سنتی حاکم بر جامعه ماست. فرهنگ ما، همواره بر پرورش استقلال و عدم وابستگی پسران تأکید بیشتری دارد و جامعه نیز اغلب پذیرای رفتارهای خودمختارانه در پسران است. این استقلال و خودمختاری، بر تمامی فعالیت‌های فرد از جمله خودپنداره مثبت آنان تأثیرگذار بوده و جهت‌دهی کلی آن را مشخص می‌کند. اما در عین حال، باید به این مسئله توجه خاص کرد که توجیه دقیق موارد فوق، علاوه بر الگوهای ارتباطی



خانواده بر خودپنداره دختران و پسران، به شناسایی مجموعه بیش‌تری از عوامل تأثیرگذار بر خودپنداره، از جمله همسالان، مدرسه، برادران و خواهران و اجتماع نیاز دارد. از جمله محدودیت‌های اصلی این مطالعه، عدم امکان دسترسی به اطلاعات خانوادگی دانش‌آموزان (از جمله وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده) برای کنترل آن‌ها بود؛ به نظر می‌رسد با کنترل این متغیرها، بتوان به نتایج دقیق‌تری دست یافت. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، به سایر عوامل خانوادگی (همچون سبک‌های فرزندپروری، فرآیند و محتوای خانواده، انسجام و انعطاف خانواده و سبک‌های دلبستگی) و نیز عوامل فردی مرتبط با خودپنداره، به‌عنوان پیش‌آیندها توجه شود.

#### پی‌نوشت‌ها

- |                 |                                                 |
|-----------------|-------------------------------------------------|
| 1. Goldenberg   | 11. Laissez-faire                               |
| 2. Harjie       | 12. Self-concept                                |
| 3. Dicson       | 13. Claire                                      |
| 4. Mcleod       | 14. Sarason                                     |
| 5. Chaffee      | 15. Rater                                       |
| 6. Conversation | 16. Eiser                                       |
| 7. Conformity   | 17. Gail                                        |
| 8. Consensual   | 18. Michele                                     |
| 9. Ploralistic  | 19. Revised Family Communication Pattern (RFCP) |
| 10. Protective  |                                                 |

#### منابع

- اف. اوگان، ب. (۱۳۸۶). تکنیک‌های مصاحبه و مشاوره، ترجمه: محمدخانی، شهرام؛ چاپ هشتم، تهران، طلوع دانش.
- البرزی، ش؛ سامانی، س (۱۳۷۸). مقایسه خودپنداره در میان دختران و پسران مقطع راهنمایی مراکز تیزهوشان شهرستان شیراز، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره ۲، ۲۰-۳.
- بحرینی، م؛ بهزادی، س؛ جوکار، ب؛ دهقان، شهامت، ش. (۱۳۸۹). رابطه ساختار قدرت و هم‌بستگی در خانواده با خودپنداره دانشجویان، *مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل*، دوره دوازدهم، شماره ۲، ۶۴-۷۱.
- بشارت، م.ع؛ بزازیان، س؛ قربانی، ن. و اصغری، م.س. (۱۳۹۳). پیش‌بینی خودشناسی انسجامی فرزندان بر اساس ویژگی‌های فرزندپروری والدین. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال دهم، شماره ۳۷، ۶۵-۷۸.
- تجلی، ف؛ لطیفیان، م. (۱۳۸۷). تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان با واسطه هوش هیجانی نوجوانان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره ۱۶، ۴۲۲-۴۰۷.
- جبرائیلی، م؛ ملکوتی، ج. (۱۳۸۷). بررسی خودپنداره در دانش‌آموزان مبتلا به صرع و آسم در مدارس شهرستان تبریز. *مجله پرستاری و مامایی تبریز*، شماره ۹، ۳۷-۳۱.
- حسین‌چاری، م. (۱۳۸۶). مقایسه خودکارآمدی ادراک‌شده در تعامل اجتماعی با هم‌سالان در بین گروهی از دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۳، شماره ۴، ۸۳-۱۰۳.

- خوشبخت، ف. (۱۳۹۰). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با رفتارهای غیراجتماعی و اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی در بازی. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، شماره ۴، ۱۰۵-۸۷.
- دانش، ع؛ معنوی شاد، م؛ خوشابی، ک. و حسن‌زاده توکلی، م. (۱۳۹۳). تاثیر سطوح خشم و شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان دچار ناتوانی‌های یادگیری و عادی بر خودپنداره فرزندانشان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال دهم، شماره ۳۸، ۱۹۶-۱۷۵.
- رحیمی، م؛ خیر، م. (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و کیفیت زندگی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر شیراز. *فصلنامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، شماره ۲۰، ص ۵.
- رحیمی، م؛ یوسفی، ف. (۱۳۸۹). نقش الگوهای ارتباطی خانواده در همدلی و خویشتن‌داری فرزندان. *فصلنامه خانواده-پژوهی*، شماره ۲۴، ۴۴۷-۴۳۳.
- سپهری، ص؛ مظاهری، م (۱۳۸۸). الگوهای ارتباطی خانواده و متغیرهای شخصیتی در دانشجویان. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسی ایرانی*، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۵۰-۱۴۱.
- ستیر، و (۱۹۸۷). آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ترجمه بهروز بیرشک (۱۳۹۱). تهران: انتشارات رشد، چاپ ششم.
- شیخ‌الاسلامی، ر؛ لطیفیان، م (۱۳۸۱). بررسی رابطه ابعاد خودپنداره با سلامت عمومی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز. *تازه‌های علوم شناختی*، سال ۴، شماره ۱، ۱۶-۶.
- علایی کرهرودی، ف؛ کیانی، م؛ ایزدی، الف؛ علوی مجد، ح. (۱۳۸۸). مقایسه خودپنداره نوجوانان عادی و بزهکار پسر سنین ۱۲ تا ۱۴ سال شهر تهران. *نشریه علمی پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی*، شماره ۶۹، ۱۵-۱۰.
- فراحتی، م؛ فتحی آشتیانی، ع؛ مرادی، ع. (۱۳۹۰). رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده با منبع کنترل و عزت نفس نفس نوجوانان. *مجله علوم رفتاری*، دوره ۵، شماره ۳، ۲۸۵-۲۷۹.
- کاووسیان، ج؛ کدیور، پ. (۱۳۸۴). نقش برخی عوامل خانوادگی در خودپنداره خانوادگی دانش‌آموزان دبیرستانی. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۱۱-۹۱.
- کشاوری، س؛ فیروزبخت، س؛ فولادچنگ، م. (۱۳۹۰). بررسی نقش ادراک جهت‌گیری هدف والدین و الگوی ارتباطی خانواده در جهت‌گیری هدف دانش‌آموزان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال هفتم، شماره ۲۸، ۴۷۷-۴۶۳.
- کشتکاران، ط. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر خودپنداره تحصیلی با واسطه‌گری تأیید والدین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- کوروش‌نیا، م. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده بر میزان سازگاری روانی فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- کلافی، ی؛ علیشاهی، م؛ ج؛ روحانی، ف. (۱۳۷۷). مطالعه‌ای پیرامون رابطه خویشتن‌باوری و میزان افسردگی در نوجوانان و نقش مادران در این فعل و انفعال. *مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز*، ۱۳، (۲)، ۵۷-۳۱.
- لطف‌آبادی، ح. (۱۳۸۰). *نوجوانان و جوانان و خانواده آنان*، چاپ ششم، سازمان ملی جوانان، تهران، نسل سوم.
- مزیدی، م؛ البرزی، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین خودپنداره کودکان و شیوه‌های فرزندپروری. *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۵، شماره ۲، ۲۴-۹.
- نعمت‌اللهی، م؛ طهماسبی، س. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های سازگاری با والدین بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی* سال دهم، شماره ۳۸، صفحات ۱۷۴-۱۵۹.

- Barnet, P. A., & Gotlib, I. H. (1988). Psychological functioning and depression. Distinguishing among antecedents, concomitants and consequences. *Psychological Bulletin*, 104, 97-128.
- Behnke AO, Macdermid SM, Coltrance SL, Parke RD, Duffy S, Widaman KF. (2008). Family cohesion in the lives of Mexican American and European American parents. *Journal of Marriage Fam; 70(4): 1045-1059.*
- Brooks, Jane, B. (1997). *Parenting*. second edition. Mountain View. Mayfield.
- Buhs, E. R. (2005). Peer rejection, negative peer treatment, and school adjustment: Self-concept and classroom engagement as mediating processes. *Journal of School Psychology*, 43(5), 407-424.
- Byrne, B. M. (1988). Adolescent self-concept, ability grouping and social comparison: re-examining academic track differences in high school. *Youth and Society*, 20, pp. 46-67.
- Byrne, B. M. (1996). Academic self-concept: its structure, measurement and relation to academic achievement. B.A. Bracken (Ed.), *Handbook of self-concept: developmental, social and clinical considerations*, Wiley, Chichester, UK (1996), pp. 287-316.
- Cooper, C. L., & Pervin, L. A. (1998). *Personality: Critical concepts in Psychology*. New York: Routledge.
- Coopersmith, S. (1967). *The antecedent of self-esteem*. Sanfrancisco: Freeman.
- Demarest, J & Allen, R. (2000). Body image: Gender ethnic, and age differences. *Journal of Social Psychology*, 140 (2000), pp. 465-472.
- Doman, A. F. (2000). Predictors of adolescent run away behavior. *Social Behavior and Personality*, 28(3). 261-268.
- Dunlop, R. Burns, A. Bermingham, S, (2001). Parents-child relations and adolescent self-image following divorce, A 10 years study, *Journal of Youth and Adolescence*, 30, (2): 117-134.
- Elwood, T. D. & Schrader, D. C. (1998). Family communication patterns and communication apprehension, *Journal of Social Behavior and Personality*, 13, 3, 493-502.
- Fitzpatrick, M.A. (2004). The family communication patterns theory: Observations on its development and application, *The Journal of Family Communication*, 4, 167-179.
- Fitz Patrick, M. A. & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata Within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human communication Research*, 20, 275-301.
- Gambino, J. & Rejskind, G. (1990). Self-Concept in a Program for the Gifted: A Social Comparison Approach, Canadian. *Journal of Special Education*, 6, 31-41.
- Henderson CE, Dakof GA, Schwartz SJ, Liddle HA, (2006). Self-concept family functioning and severity of adolescent externalizing problems. *Journal Child Fam study*, 15(6): 719-731.
- Hockenbery MJ, Betz CL, Sowden LA. (2005). *Wong s Essential Of Pediatric Nursing*, 7 th ed, Mosby, 1055.
- Hunt, Terseal. (1997). Self-concept, Hope and Academic achievement, Missouri western state college, may (1997).
- Ireson, J. & Hallam, S. (2009). Academic self-concepts in adolescence: Relations with achievement and ability grouping in schools. *Learning and Instruction*, 19,3,201-213.
- Jakson, L. A., Hodge, C. N., Ingram, J. M. (1994). Gender and Self-Concept. A Reexamination of Stereotypic Differences and the Role of Gender Attitudes, Sex Roles, 30, 615-630.
- Kearny-Cooke, A. (1999). Gender differences and self-esteem. *Journal of Gender Specific Medicine*, 2, pp. 46-52.

- Koerner, A. F., & Maki, L. (2004). Family Communication patterns and social support in families of origin and adult childrens subsequent intimate relationship. Paper presented at the international Association for Relationship Reserch conference, Madison.
- Koerner, A. F. & Fitzpatrick, M. A. (2004). Communication in intact families. In A. Vangelisti (Ed.). *Handbook of family communication*. Mahwah, NJ: Erlbau.
- Koerner, A. F. & Fitzpatrick, M. A. (2002). understanding family Communication patterns and family function: The roles of Conversation orientation and conformity orientation. *Communication Theory*, 12(1), 70-91.
- Levenbach, J. (2004). *Mothers parenting style and preschoolers social behaviour in Japan and Canada*, Unpublished doctoral dissertation, university of Windsor, Windsor, Ontario, Canada.
- Long, V. O. (1991). Gender role conditioning and womens self-concept. *Journal of Humanistic Education and Development*, 30, 19-29.
- Mandaglio, S. & Pyryt, M.C. (1995). Self-concept of gifted students. *Teaching Exceptional Children*, 27(3), 40-50.
- Maiano C. & Ninot, G. & Bilard, J. (2004). Age and gender effects on global self-esteem and physical self-perceptions in adolescents. *European Physical Education Review*, 10, pp. 53-69.
- McLeod, J. M. & Chaffee, S. H. (1972). The construction of social reality. In J. Tedeschi (Ed.), *the Social Influence Process*, (pp. 50-59). Chicago: Aldine-Atherton.
- Milgram, R. M. & Milgeram, N.A. (1976). Perdonlity charactristicies of Gifted Childeren, *The Journal of Generetic Psychology*, 129, 180-194.
- Muth J. L. & Cash, T. F. (1997). Body images attitudes: What difference does gender make? *Journal of Applied Social Psychology*, 27, pp. 1438-1452.
- Rosenberg, M. & Schooler, C. & Schoenbach, C. & Rosenberg, F. (1995). Global self-esteem and specific self-esteem: different concepts, different outcomes. *American Sociological Review*, 60 (1), pp. 141-156.
- Schneider, B. H. Cloyg, M.R. Bryen, B.M. Landinghamane, J.E. & Cronbie, E. (1989). Social relations of gifted as a function of aye and school program, *Journal of Educational Psychology*, 51, 48-55.
- Shavelson, R. J. Hubner, J. J. & Stanton, G. C. (1976). Self-Concept: validation of construct interpretations, *Review of Educational Research*, Cooper Smith, S. & Feldmen, R. (1976). 46, 407-411.
- Simons, J. & Capio, C. M. & Adriaenssens, P. & Elbroek, H. D. & Vandebussche, I. (2012). Self-concept and physical self-concept in psychiatric children and adolscents, *Journal of Research in Developmental Disabilities*, 33, 3, 874-881.
- Smolak, L. (2004). Body image in children and adolescents: Where do we go from here? *Body Image*, 1, pp. 15-28.
- Taylor, L. (1998). Adolescent psychosocial development and perception of familyenvironment: A comparative study of fatherless, step-fathered, and intact-family adolescent familis, unpublished doctoral dissertation, Saint Louis University.
- Triandis, H. & Suinn, R. M. (1965). A note on identification, self esteem, anxiety, & conformity. *Journal of Clinical Psychology*, 21, 286-286.
- Wigfield, A., & Karpathian, M. (1991). Who am I and what can I do? Children's self-concepts and motivation in achievement situations. *Educational Psychologist*, 26, 233-261.